



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۹، ش ۴ (پیاپی ۴۶)، مهر و آبان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۸۸

بررسی مقابله‌ای رده‌شناختی همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی

محمدعلی جعفری^۱، مهین‌ناز میردهقان^{۲*}

۱. گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات قم، قم، ایران.

۲. گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۳/۲۱

پذیرش: ۹۶/۶/۱۹

چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر، راستی‌آزمایی همگانی‌های گرینبرگ و بررسی شمول آن‌ها در حوزه‌های ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی در سه گونه ترکی رزن، تبریز و استانبولی است که از زیرشاخه‌های زبان ترکی محسوب می‌شوند. دو گونه اول در منطقه غرب و شمال غرب ایران، در دو خط مجزا به لحاظ جغرافیایی، واقع شده‌اند و گونه سوم، زبان رسمی کشور ترکیه است. در رسیدن به اهداف پژوهش، داده‌های هر سه گونه، به روش مصاحبه با گویشوران بومی، ضبط صدا و آوانگاری داده‌ها ثبت و ۴۵ همگانی گرینبرگ به صورت هدفمند در داده‌های جمع‌آوری شده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که با وجود دوری منطقه جغرافیایی، سه گونه مورد بررسی قرابت بسیاری را در حوزه‌های نحوی، صرفی و رده‌شناسی آشکار می‌سازند. البته تفاوت‌هایی نیز میان سه گونه به‌ویژه گونه ترکی استانبولی با دو گونه دیگر دیده می‌شود که مهم‌ترین آنان در حوزه واژگانی است. آمار و نتایج کاربردی این تحلیل طی تحقیق ارائه شده است. بر اساس نتایج این تحقیق از ۴۵ همگانی گرینبرگ، ۱۸ همگانی در داده‌ها کاربرد دارد و از این مجموعه حدود ۴۰ درصد از همگانی‌ها مورد تأیید است. البته درصد مذکور در حوزه‌های متفاوت صرفی، رده‌شناختی و نحوی متفاوت است که در متن تحقیق مورد تبیین قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: رده‌شناسی، ترکی رزن، ترکی تبریز، ترکی استانبولی، همگانی‌های گرینبرگ.

۱. مقدمه

در این پژوهش، به بررسی مقابله‌ای رده‌شناختی همگانی‌های گرینبرگ در سه گونه^۱ ترکی رزن، تبریز و استانبولی پرداخته می‌شود^۲ تا از طریق نتایج حاصل بتوان به هدف پژوهش که راستی‌آزمایی همگانی‌های گرینبرگ و بررسی شمول آن در سه گونه مورد بررسی است، دست یافت. از این رو، در این پژوهش، بررسی مقابله‌ای-آماری دو گونه ترکی در ایران و گونه ترکی در ترکیه در راستای رسیدن به این هدف است که چه درصدی از این همگانی‌ها، در این سه گونه، کارایی لازم را دارند. این بررسی می‌تواند به سهم خود پایداری علمی اصول همگانی گرینبرگ را تخمین زده و تأیید یا عدم تأیید آن اصول را حتی‌المقدور در گونه‌های مذکور بررسی کند؛ زیرا همان‌گونه که دبیرمقدم (۱۳۹۲) بیان می‌دارد همگانی‌های گرینبرگ در ۳۰ زبان بررسی شده است که هیچ یک از زبان‌های ایرانی در این بررسی موجود نیست. بنابراین، درجهت تثبیت احتمالی این بررسی لازم است بر روی زبان‌های بسیاری از جمله زبان‌های ایرانی بر این اساس کاوش شود تا به نتایج باثبات‌تر و بادقت بیشتری دست یافت که آیا این تعداد همگانی (۴۵) را می‌توان به اکثریت زبان‌های دنیا تسری داد و یا باید در آن‌ها تغییراتی چه از نظر محتوایی و چه از نظر تعداد به وجود آید تا شمول حداکثری یابد. با این هدف پژوهشگر با بررسی این همگانی‌ها در صدد رسیدن به دو پرسش است: ۱. چه تعداد از همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های مورد بررسی کارایی دارد؟ ۲. در چارچوب بررسی‌های همگانی‌های گرینبرگ به لحاظ رده‌شناختی، گونه‌های مورد بحث در صورت تنوع رده‌شناختی (تفاوت در طبقه زبانی) در چند طبقه زبانی قرار می‌گیرند؟

۲. پیشینه پژوهش

تا لحظه تحریر این مقاله، پژوهش‌های فراوانی در زمینه گویشی صورت پذیرفته است. گونه‌های متنوع زبان ترکی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و به انحاء مختلف مورد بررسی و تفحص قرار گرفته‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها فهرست‌وار اشاره می‌شود:

مظلومی (۱۳۷۹)، محجوبی (۱۳۷۵)، عباسچی (۱۳۷۷)، مرادی (۱۳۸۰)، صادقی نیارکی (۱۳۷۵)، جعفری (۱۳۷۴)، حیدری مزرعه جهان (۱۳۸۱)، حسابگر (۱۳۷۱)، جراحی (۱۳۷۹)،

محمد نژادشلی (۱۳۸۰)، رضی‌نژاد (۱۳۸۱)، اژدرزاده (۱۳۸۲)، قربانزاده کلانپایی (۱۳۸۱)، هاشمی‌بنی (۱۳۷۹). ذکر این نکته ضروری است که پژوهش‌های نامبرده در حوزه‌های متنوع از جمله واژگانی، آوایی، واجی، نحوی و صرفی در گونه‌های ترکی صورت پذیرفته است و هیچ یک از آن‌ها در زمینه مورد نظر تفحصی نداشته‌اند.

تا آنجایی که پژوهشگر بررسی کرده است، تنها پژوهشی که در راستای بررسی همگانی‌های گرینبرگ در داخل و خارج صورت پذیرفته است پژوهش میردهقان و مهمانچیان (۲۰۱۲) است که این پژوهش نیز برخی از همگانی‌های گرینبرگ را به صورت گزینشی مورد مطالعه قرار داده است.

شهرستان رزن از توابع استان همدان است که از ناحیه شمال و شمال شرقی به استان قزوین، از جنوب به شهرستان کیودرآهنگ محدود است. در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان رزن ۱۱۶۴۳۷ نفر بوده است (ویکی‌پدیا).^۳

شهرستان رزن در مرکزیت روستاهایی نظیر درجین، کاج، سوزن، کرفس، دمق، شاهنجرین و ... قرار دارد که همگی ترک‌زبان هستند (جعفری، ۱۳۸۱: ۵).

از قسمت‌های مهم بخش رزن، شهرک رزن است که در راه شوسه قزوین واقع شده و مشتمل بر ادارات است (صابری همدانی، ۱۳۷۵: ۵۳).

شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر، بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال‌غرب ایران است. در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت تبریز بالغ بر ۱.۵۵۸.۶۹۳ نفر بوده است. اکثریت ساکنان تبریز آذربایجانی هستند و به زبان ترکی آذربایجانی با لهجه تبریزی سخن می‌گویند. البته برخی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که تا سده یازدهم هجری، زبان آذری-شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی- در این شهر تکلم می‌شده است (ویکی‌پدیا).

ترکیه شش همسایه آسیایی و دو همسایه اروپایی دارد. ترکیه در شرق با کشورهای (ایران و آذربایجان)؛ نخجوان (ارمنستان و گرجستان)؛ در جنوب شرقی با (عراق و سوریه) و در شمال غربی (بخش اروپایی) با (بلغارستان و یونان) همسایه است. زبان رسمی ترکیه، ترکی استانبولی است که در گذشته با خط عربی عثمانی نوشته می‌شد و از زمان تشکیل جمهوری ترکیه توسط آتاترک در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی (۱۹۲۳) با خط لاتین نوشته می‌شود. جمعیت ترکیه حدود ۷۷ میلیون نفر (برآورد ۲۰۱۵) است. همچنین، در

ترکیه حدود ۷۰ الی ۷۵ درصد مردم ترک، ۱۸ درصد کرد و ۷ الی ۱۲ درصد را سایر ساکنان قومی ترکیه تشکیل می‌دهند (ویکی‌پدیا). گونه‌ی ترکی کشور ترکیه بر پایه‌ی گویش اُغوز ترکان سلجوقی استوار است (امینی، ۱۳۹۲: ۳۴).

۲. چارچوب نظری پژوهش

در طول قرن نوزدهم اساسی‌ترین نوع رده‌شناسی زبانی - که در اصطلاح رده‌شناسی صرفی نام گرفت - به طبقه‌بندی زبان‌ها از طریق ترکیب تکواژها در جهت تولید واژه پرداخت. بر این اساس سه نوع رده‌بندی در زبان معرفی شد. ۱. زبان‌های انفرادی^۱ مانند زبان انگلیسی، ۲. زبان‌های پیوندی^۲ که متشکل از ترکیب تکواژها است. مانند زبان ترکی که در آن هر تکواژ نماینده‌ی یک آوا یا بیشتر در واژه است. ۳. زبان‌های آمیخته^۳ مانند زبان روسی (Comrie, 1988: 145).

رده‌شناسی زبان «مطالعه‌ی نظام‌مند تنوع بین زبان‌هاست» (Comrie, 2001: 25) به نقل از دبیرمقدم، (۱۳۹۲: ۲).

ذکر این نکته ضروری است که علیرغم تمایز همگانی‌های زبانی با رده‌شناسی، این دو همواره به موازات یکدیگر در طول ادوار تاریخچه‌ی زبانی به پیش رفته‌اند، و شباهت‌های زبان‌ها و در عین حال رده‌بندی آنان را دنبال کرده‌اند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۷).

رده‌شناسی زبانی به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از زبان‌شناسی که به دنبال همگانی‌ها است، به مطالعه و طبقه‌بندی زبان‌ها بر اساس ساختارهای مشابه و متفاوت آن‌ها می‌پردازد (Mirdehghan & Mehmanchian, 2012: 371).

چهار نوع جهانی را می‌توان در مطالعات رده‌شناسی امروز مشاهده کرد: همگانی‌های مطلق تلویحی، همگانی‌های نسبی تلویحی، همگانی‌های مطلق غیرتلویحی، همگانی‌های نسبی غیرتلویحی (گلفام، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

گرینبرگ با تکیه بر توالی عناصر معنی‌دار در برخی همگانی‌های دستور، درچه‌ای نو در پژوهش‌های رده‌شناختی گشود. وی در بررسی ۳۰ زبان - که هیچ یک از زبان‌های ایرانی جزو فهرست وی نیست - ۴۵ همگانی تلویحی را به‌دست داده است. گفتنی است که گاه

همگانی‌های تلویحی، همگانی‌های گرینبرگی نیز نامیده می‌شوند و گاه به دلیل اینکه این همگانی‌ها بر اساس داده‌های بسیاری بر مبنای بررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از زبان‌های دنیا پیشنهاد می‌شود، به آن‌ها همگانی‌های آماری نیز گفته می‌شود. از میان همگانی‌های معرفی‌شده گرینبرگ، ۲۸ مورد آن‌ها با ترتیب واژه^۷ (توالی ارکان اصلی جمله) و ۱۷ مورد دیگر در ارتباط با مقوله‌های تصریفی همچون زمان، نمود و... هستند (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۲۳). آوانویسی داده‌ها در بخش ۴-۱ مقاله بر اساس جدول واکه‌های ۱، جدول همخوان‌های ۲، ۳ و ۴ صورت پذیرفته است. البته گفتنی است جدول همخوان‌ها با توجه به افتراقات همخوانی با زبان فارسی ارائه شده است و اشتراکات به دلیل انطباق با همخوان‌های زبان فارسی آورده نشده است.

جدول ۱: واکه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی

Table1: Turkish Vowels of Razan, Tabriz and Istanbul

واکه افراشته پسین غیر گرد	/i/	واکه افراشته پسین گرد	/u/
واکه افراشته پیشین گرد	/y/	واکه افراشته پسین خنثی	/ɯ/
واکه نیمه افراشته پیشین غیر گرد	/e/	واکه نیمه افراشته پسین گرد	/o/
واکه نیمه افراشته پیشین گرد	/ø/		
واکه افتاده پیشین غیر گرد	/æ/	واکه افتاده پسین غیر گرد	/a/

جدول ۲: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی رزن^۸

Table2: The distinctive consonants of Razan Turkish from Persian Language

انسدادی - کامی - واگذار	/t/	ناسوده - لبی دندانی	/θ/
انسدادی - کامی	/j/	انسدادی - ملازی - واگذار	/g/
سایشی - ملازی - بی‌واک	/ç/	سایشی - ملازی - واگذار	/k/
انسدادی - کامی - بی‌واک	/c/		

جدول ۳: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی تبریز^۹

Table3: The distinctive consonants of Tabriz Turkish from Persian Language

/j/	انسدادی-کامی-واکدار	/c/	انسدادی-کامی-بی‌واک
/ʒ/	ناسوده-کامی	/g/	انسدادی-نرمکامی-واکدار
/ɣ/	سایشی-ملازی-بی‌واک	/ʁ/	سایشی-ملازی-واکدار

جدول ۴: همخوان‌های متمایز از زبان فارسی در ترکی استانبولی^{۱۰}

Table4: The distinctive consonants of Istanbul Turkish from Persian Language

/j/	انسدادی-کامی-واکدار	/c/	انسدادی-کامی-بی‌واک
/ʒ/	ناسوده-کامی	/g/	انسدادی-نرمکامی-واکدار
/ɣ/	سایشی-ملازی-بی‌واک	/k/	انسدادی-نرمکامی-بی‌واک
/ʔ/	زنشی-لثوی-واکدار	/w/	ناسوده-نرمکامی-واکدار

۳. روش تحقیق

در راستای رسیدن به اهداف پژوهش داده‌ها از سه گونه مذکور، به روش مصاحبه با گویشوران بومی، ضبط صدا و آوانگاری داده‌ها ثبت شده است. علاوه بر آن از داده‌های ثبت‌شده ترکی رزن در جعفری (۱۳۸۱) نیز بهره برده شده است.

گونه‌های رزن، تبریز و استانبولی در راستای پارامتر ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی در چارچوب همگانی‌های گرینبرگ بررسی شده است و تمامی همگانی‌هایی که در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی کاربرد می‌یابند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و در نهایت به نتیجه‌گیری درباره‌ی درصد کارایی این اصول و عملکرد آن‌ها در سه گونه مذکور، پرداخته شده است. گفتنی است روند بررسی به صورت تک‌واژ به تک‌واژ^{۱۱} است. به عبارت دیگر، در بررسی داده‌ها در ابتدا داده‌های ترکی رزن و سپس داده‌های ترکی تبریز و در نهایت داده‌های ترکی استانبولی آورده شده و پس از آن توضیحات گرامری هر بخش از داده‌ها نوشته شده است و سپس معادل‌سازی توضیحات گرامری و در نهایت معادل کل داده به زبان فارسی ارائه شده است. نکته مهم در تحلیل مذکور این است که به دلیل تشابه بسیار زیاد داده‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی چه به لحاظ نحوی و چه به لحاظ ترتیب واژه در

جمله، از جدانویسی مثال‌ها برای هر گونه به دلیل بالا رفتن حجم مقاله، خودداری شده است.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. بررسی همگانی‌های گرینبرگ در گونه ترکی رزن، تبریز و استانبولی

در پیکره پژوهش به دلیل محدودیت حجم مقاله، در صورت نیاز در مورد هر همگانی، به یک مثال بسنده شده است.

همگانی ۱: "در جمله‌های خبری دارای فاعل و مفعول از نوع اسم هستند، ترتیب غالب تقریباً همیشه آن است که در آن فاعل پیش از مفعول واقع می‌شود."

مثال ۱:

*æli	reza-nu	jør-d-y	رزن:
*æli	riza-ni	jør-d-I	تبریز:
*ali	riza-ju	jør-d-ø	استانبولی:
سوم شخص مفرد-فاعل	سوم شخص مفرد-مفعول	بن-وند ماضی-ساز-شناسه	
علی	را. رضا	تطابق با فاعل - دید	
"علی رضا را دید"			

هر سه گونه، از همگانی ۱ تبعیت می‌کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که واژه‌ها در هر سه گونه به لحاظ هماهنگی ممیزه‌های پسین و گردی، عملکرد متفاوتی دارند که در جعفری (رساله دکتری، در دست انجام)، به گونه مبسوط در مورد آن‌ها بحث می‌شود.

همگانی ۲: "زبان‌هایی که دارای پیش‌اضافه هستند، مضاف‌الیه تقریباً همیشه به دنبال مضاف می‌آید، در حالی که زبان‌های دارای پس‌اضافه تقریباً همیشه مضاف‌الیه پیش از مضاف می‌آید."

مثال ۲:

*æli-nij	citab-u	رزن:
*æli-nin	citab-e	تبریز:
*ali-nin	citab-uu	استانبولی:
مذکر-اسم	سوم شخص مفرد خنثی-اسم سوم شخص مفرد	
ملکیت-علی	تطابق با مضاف الیه - کتاب	
"کتاب علی"		

هر سه گونه مورد نظران گونه‌های پس‌اضافه هستند و همگانی ۲ را تأیید می‌کنند؛ یعنی مضاف‌الیه قبل از مضاف در این گونه‌ها می‌آید که دقیقاً عکس فارسی است. البته گفتنی است که گونه‌های ترکی رزن و تبریز به همان دلیل آشنا، یعنی تحت تاثیر قرار گرفتن از زبان فارسی بر اثر مجاورت و ارتباط بسیار زیاد و نزدیک گویشوران، در مواردی به جای استفاده از پس‌اضافه از پیش‌اضافه‌های فارسی در ساختارها استفاده می‌کند که البته ساختاری مغلوب و غیررسمی محسوب می‌شوند.

همگانی ۳: "زبان‌هایی که ترتیب غالب آن‌ها فعل، فاعل، مفعول است، همیشه پیش‌اضافه هستند."

همانگونه که در همگانی ۲ اشاره شد، گونه‌های مذکور پس‌اضافه هستند و ترتیب غالب آن‌ها همانند فارسی فاعل، مفعول، فعل است. بنابراین همگانی ۳ را تأیید نمی‌کنند. البته گفتنی است که ترتیب فعل، فاعل، مفعول را می‌توان به شکل مغلوب (دارای بسامد وقوع بسیار پایین) در ساختار اشاره‌شده در همگانی ۳ به کار برد.

همگانی ۴: "زبان‌هایی که ترتیب طبیعی فاعل، مفعول، فعل دارند، با بسامد وقوع بسیار بالاتر از حد تصادف، پس‌اضافه‌اند."

خلاف فارسی - که دارای ترتیب بالاست - اما ناقض همگانی ۴ است، گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی مؤید این همگانی هستند. چون همانگونه که در همگانی ۲ اشاره شد این سه گونه به صورت رسمی و غالب پس‌اضافه هستند و ترتیب غالب و طبیعی آن فاعل، مفعول، فعل است.

همگانی ۵: "اگر زبانی دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل باشد و مضاف‌الیه بعد از مضاف قرار گیرد، آنگاه صفت هم پس از موصوف می‌آید."

مثال ۳:

* jaχtʃo	oʋʎan	رزن:
* jaχtʃu	oʋʎan	تبریز:
* ʔi	tʃodʒuk	استانبولی:
صفت	اسم	
خوب	پسر	
"پسر خوب"		

همانگونه که مشاهده می‌شود، این سه گونه^{۱۲} علیرغم اینکه در زمرهٔ زبان‌های پس‌اضافه و مؤید همگانی ۲ نیز هستند، همگانی ۵ را تأیید نمی‌کنند؛ یعنی صفت پیش از موصوف در این سه گونه به‌کار می‌رود.

البته این همگانی در مورد زبان فارسی صادق است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۶).

همگانی ۶: "همهٔ زبان‌هایی که دارای ترتیب غالب فعل، فاعل، مفعول هستند، شق دیگر ساختاری آن‌ها و تنها ساختار پایهٔ دیگر، فاعل، مفعول، فعل است."

هر سه گونهٔ مذکور، همانند فارسی دارای ترتیب‌های متفاوت هستند و فقط به دو نوع مذکور در همگانی ۶ ختم نمی‌شوند. بنابراین همگانی ۶ تأیید نمی‌شود. البته ترتیب غالب و کاربردی همان فاعل، مفعول، فعل است.

همگانی ۷: "اگر در یک زبان ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل باشد ساختار دیگری برای آن وجود نخواهد داشت و یا فقط می‌تواند دارای ساختار مفعول، فاعل، فعل باشد؛ سپس، تمامی توصیفگرهای قیدی پیش از فعل می‌آیند."

مثال ۴:

* æli-ne	reza	tʃox narahæt elæ-d-e	رزن:
* æli-ne	reza	tʃøx narahat elæ-d-e	تبریز:
* ali-ji	reza	tʃok ʔyzdy	استانبولی ^{۱۳} :
بن‌وند ماضی‌ساز-شناسه صفت قید سوم شخص مفرد-فاعلی سوم شخص مفرد-مفعولی			
تطابق با فاعل - کرد ناراحت خیلی رضا را-علی			

"علی را، رضا خیلی ناراحت کرد"

همانگونه که گفته شد، ساختار جمله در گونه‌های مذکور همانند فارسی تنوع دارند. بنابراین، بخش اول این همگانی تأیید نمی‌شود؛ اما بخش دوم آن همگانی یعنی آمدن قیدها به قبل از فعل، در این دو گونه، تأیید می‌شود.

یادآوری: در هر سه گونه، ترتیب فوق بسیار کاربرد پایین دارد و ترتیب غالب همان ترتیب فاعل، مفعول، فعل است.

همگانی ۸: "زمانی که پرسش‌های بله - خیر به جای استفاده از الگوی طبیعی پرسشی، از الگوی تغییر آهنگ^{۱۴} استفاده کنند، ویژگی‌های ممیز هر یک از این الگوها در انتهای جمله

مشخص می‌شود تا ابتدای جمله".

مثال ۵:

*æli	reza-ja	de-d-e?	رزن:
*æli	rizi-ja	de-d-i?	تبریز:
*ali	riza-ja	soylæ-d-i-me?	استانبولی:
سوم شخص مفرد-فاعلی	سوم شخص مفرد-مفعولی	بن-وندماضی-ساز-شناسه	
علی	به-رضا	تطابق با فاعل - گفت	
"علی، به رضا گفت؟"			

همانگونه که در مثال مشاهده می‌شود، در گونه رزن و تبریز، همانند فارسی، می‌توان از الگوی تغییر آهنگ به شکل خیزان برای پرسش استفاده کرد و الگوی پرسشی آن نیز با تغییر آهنگ در انتهای جمله برقرار می‌شود. در گونه استانبولی به دو شکل جملات پرسشی به-خیر تولید می‌شود: ۱. کلمه پرسشی معادل تقریبی "آیا" در ابتدای جمله قرار می‌گیرد و هم‌زمان هم کلمه پرسشی و هم پسوند "e" برای هماهنگی و مطابقت، استفاده می‌شود. ۲. در صورت فقدان کلمه پرسشی در ابتدای جمله از پسوند "m" در پایان جمله استفاده می‌شود. گفتنی است در هر دو حالت تغییر آهنگ در پایان جمله وجود دارد. در نتیجه، همگانی ۸ در هر سه گونه تأیید می‌شود. در این مجال فقط از باب اطلاع این نکته ذکر می‌شود که در واژه‌های دو گونه رزن و تبریز به‌ویژه گونه استانبولی به لحاظ واجی (در ارتباط با تغییرات واکه‌ای) اختلافاتی وجود دارد که در جعفری (رساله دکتری، در دست انجام) به دقت در چارچوب ممیزه هماهنگی واکه‌ای بررسی می‌شود.

همگانی ۹: "زمانی که کلمه یا وند پرسشی از طریق ارجاع به جمله به‌عنوان کل، در ابتدا قرار گیرد، آن زبان پیش‌اضافه است. در صورتی که در انتها قرار بگیرد، پس‌اضافه محسوب می‌شود".

این همگانی به دلیل اینکه کلمه پرسشی در ابتدا قرار می‌گیرد؛ اما هر سه گونه پس‌اضافه هستند، رد می‌شود. گفتنی است ترتیب غالب الگوی پرسشی در گونه‌های رزن و تبریز، همان تغییر در آهنگ انتهای جمله است و تقریباً به‌ندرت کلمه پرسشی "آیا" در ابتدای جمله قرار می‌گیرد که البته کاربرد واژه "آیا" تحت تأثیر زبان فارسی است. در گونه استانبولی هر

دو ترتیب ذکرشده تولید می شود.

همگانی ۱۰: "زمانی که کلمه یا وند پرسشی توسط ارجاع به یک کلمه خاص مشخص شود، جمله پس از آن کلمه قرار می گیرد. این گونه کلمات پرسشی در زبان هایی که ترتیب غالب آن ها، فعل، فاعل، مفعول است، اتفاق نمی افتد."

مثال ۶:

* ɹoræj	æli	reza-ja	de-d-e?	رزن:
* ɹoræsæn	æli	rizi-ja	de-d-i?	تبریز:
* ædʒæba	ali	riza-ja	soylæ-d-i-me?	استانبولی:

تطابق بن-وند ماضی-ساز-شناسه سوم شخص مفرد-مفعولی سوم شخص مفرد فاعلی کلمه پرسشی

با فاعل -گفت به- رضا علی آیا

"آیا علی، به رضا گفت؟"

همگانی ۱۰: به دلیل اینکه هر سه گونه دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل است، به نوعی می تواند مؤید این همگانی باشد. البته جهت یادآوری، در دو گونه رزن و تبریز، گویشورانی که تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته اند از کلمه پرسشی فارسی "آیا" به جای آن استفاده می کنند که البته بسامد وقوع آن بسیار پایین است.

همگانی ۱۱: "وارونه سازی (پس و پیش سازی) ترتیب جمله به این گونه که فعل مقدم بر فاعل باشد، فقط در زبان هایی اتفاق می افتد که کلمه یا عبارت پرسشی، به طور طبیعی در ابتدای (جمله) قرار می گیرد. این وارونه سازی در (جملات) پرسشی بله- خیر نیز با این پیش- شرط که کلمه پرسشی در ابتدای جمله پرسشی واقع شود، اتفاق می افتد."

در تبیین این همگانی این گونه می توان گفت که، چون در گونه رزن و تبریز، کاربرد کلمه پرسشی به صورت ساختار مغلوب وجود دارد و در گونه استانبولی آوردن کلمه پرسشی به همراه پسوند "e" ساختاری رایج است و علاوه بر آن ساختارهایی که فعل قبل از فاعل واقع شود با بسامد وقوع پایین کاربرد می یابد. بنابراین به نوعی می تواند مؤید این همگانی نیز باشد.

همگانی ۱۲: "اگر زبانی دارای ترتیب غالب فعل، فاعل، مفعول در جملات خبری باشد، همیشه کلمه یا عبارت پرسشی در ابتدای جملات پرسشی قرار می گیرد؛ در صورتی که ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل در جملات خبری باشد، هرگز این قاعده یکسان یا ثابت عمل

نمی‌کند."

در این همگانی، با وجود اینکه این سه گونه دارای ترتیب غالب فاعل، مفعول، فعل است؛ اما در صورت لزوم، از آوردن کلمه پرسشی در ابتدای جملات پرسشی و نه جای دیگر، می‌توان سود برد که ناقض همگانی ۱۲ است؛ به عبارت دیگر، قاعده فوق ثابت است. این نکته باید دوباره مورد تأکید قرار گیرد که در دو گونه رزن و تبریز معمولاً از کلمه پرسشی "آیا" به دلیل تأثیر از فارسی استفاده می‌شود و به خودی خود در بیشتر موارد همان الگوی تغییر آهنگ برای جملات پرسشی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، می‌توان این گونه گفت که در این سه گونه مشخصه زبرنجیری آهنگ در پدید آمدن الگوی پرسشی، کاربرد دارد. البته گفتنی است که گاهی اوقات بر حسب ضرورت و تأکید، معادلی برای واژه "آیا" (joræj - jøræsæn) به ترتیب در گونه ترکی تبریز و رزن به کار می‌رود. البته واژه پرسشی در استانبولی (ædʒæba) است.

همگانی ۱۴: "در جملات شرطی، مانند ترتیب طبیعی در تمام زبان‌ها، عبارات شرطی قبل از نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد."

مثال ۷:

رزن:	jør-ær	reza-nu	jæl-æ	æli	(ajæ) *
تبریز:	jør-ær	riza-ni	jæl-sæ	æli	(ajæ) *
استانبولی:	jør-yr	reza-ju	jelir-sæ	ali	(ajæ) *
بن-شناسه	سوم شخص مفرد-مفعولی	بن-شناسه	سوم شخص مفرد فاعلی	ادات شرط	
تطابق با فاعل - می‌بیند	را- رضا	تطابق با فاعل- بیاید	علی	اگر	

"اگر علی بیاید، رضا را می‌بیند."

همانگونه که در مثال مشاهده می‌شود، عبارت شرط قبل از نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد. بنابراین همگانی ۱۴ مورد تأیید است. البته لازم به توضیح است که در برخی موارد نادر، حالت عکس ممکن است به وقوع بپیوندد که در بیشتر این گونه موارد، این حالت عکس برای تأکید به کار می‌رود. گفتنی است اادات شرط می‌تواند پیش از فاعل نیز (همانند فارسی) در عبارت شرط بیاید. البته در برخی موارد اادات شرط به طور کامل حذف می‌شود؛ به گونه‌ای که خود عبارت مفهوم شرط را بیان می‌کند.

همگانی ۱۸: "هرگاه صفت توصیفی قبل از اسم واقع شود، صفت اشاره و عدد بیشتر از بسامد تصادفی قبل از اسم واقع می‌شوند."

مثال ۸:

*godʒa	arvad	*dørd(dænæ)	giz	*ʔo	cishi	رزن:
*godʒa	arvad	*dørt(dana)	guuz	*ʔo	cishi	تبریز:
*jaʃlu	kadun	*dørt	kuuz	*ʔo	adam	استانبولی:
صفت	اسم	شمار	اسم	صفت اشاره	اسم	
پیر	زن	چهار	دختر	آن	مرد	
	"زن پیر"		"چهار دختر"		"آن مرد"	

همگانی ۱۸ در این گونه‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. گفتنی است، واحد شمارش در هر دو گونه رزن و تبریز، کاربرد اختیاری دارد. البته به نظر می‌آید در صورت ساختار تأکیدی، کاربرد آن غالب است.

همگانی ۱۹: "زمانی که، قاعده معمول این باشد که، صفت توصیفی بعد از اسم واقع شود، اقلیتی از صفت‌ها معمولاً پیش از اسم واقع می‌شوند؛ اما زمانی که قاعده معمول بر این باشد که، صفت توصیفی قبل از اسم بیاید استثنایی وجود ندارد."

در گونه‌های مذکور به دلیل اینکه صفت توصیفی قبل از اسم واقع می‌شود و هیچ گونه استثنایی دیده نشده است، بخش دوم همگانی ۱۹ مورد تأیید واقع می‌شود.

همگانی ۲۰: "زمانی که تمام اقلام (صفات اشاره، عدد و توصیفی) قبل از اسم واقع شوند، همیشه به همان ترتیب واقع می‌شوند. در صورتی که آن‌ها پس از اسم واقع شوند، ترتیب ممکن است یا همان باشد و یا عکس آن."

بخش اول همگانی ۲۰ نیز به همان دلیل مذکور در همگانی ۱۹ مورد تأیید است.

همگانی ۲۳: "اگر در بدل، اسم خاص معمولاً مقدم بر اسم عام شود، آنگاه در زبان مورد نظر مضاف بر مضاف‌الیه مقدم می‌شود. با بسامد وقوع بیش از حد تصادف، در صورتی که اسم عام مقدم بر اسم خاص شود، آنگاه مضاف‌الیه مقدم بر مضاف می‌شود."

مثال ۹:

* ajlaruuj	gejnæna-so	behnaz	رزن:
* ajlarun	gejnæna-si	behnaz	تبریز:
* ajlarun ^{۱۰}	kujuun-valede-si	behnaz	استانبولی:
مضاف الیه	کسره اضافه-مضاف	اسم خاص	
آیلار	- مادر شوهر	بهناز	
"مادر شوهر آیلار، بهناز"			

در این سه گونه، در هر دو حالت یعنی تقدم اسم عام بر اسم خاص و بالعکس، بدون رؤیت هر گونه استثنایی (بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته توسط پژوهشگر) مضاف‌الیه مقدم بر مضاف است. البته با کمی تسامح می‌توان بخش دوم همگانی را مورد تأیید دانست؛ به عبارت دیگر در صورتی که اسم عام مقدم بر اسم خاص باشد، مضاف‌الیه مقدم بر مضاف است؛ اما به دلیل اینکه هر دو توالی با بسامد وقوع تقریباً یکسان در هر سه گونه به کار می‌رود، همگانی ۲۳ نمی‌تواند به درستی تایید شود. بنابراین، به نظر پژوهشگر به دلیل کاربرد هر دو ساختار در این سه گونه، همگانی مذکور موضوعیت طرح را نخواهد داشت.

همگانی ۲۴: "اگر عبارت وابسته (توصیفی) قبل از اسم واقع شود، خواه تنها ساختار محسوب شود، خواه شق دیگری نیز وجود داشته باشد، یا زبان پس‌اضافه است یا صفت قبل از اسم واقع می‌شود و یا هر دو."

مثال ۱۰:

* mehri	?o	godʒa	cishi-ne	jør-d-y	رزن:
* mehri	?o	godʒa	cishi-ni	jør-d-i	تبریز:
* mehri	?o	jaʃlu	adam-u(w) ^{۱۶}	jør-d-ø	استانبولی:
سوم شخص مفرد فاعلی	صفت اشاره	صفت	اسم-مفعولی	بن-وند ماضی‌ساز-شناسه	
مهری	آن	پیر	را-مرد	تطابق با فاعل-گذشته‌ساز-دید	
"مهری آن پیر مرد را دید."					

* mehri	ʔo	cishi	ce	godʒa-j-du	jər-d-y	رزن:
* mehri	ʔo	cishini	ce	godʒe-j-di	jər-d-i	تبریز:
* mehri	ʔo	cishini	ce	jaʃlu-j-du	jər-d-ø	استانبولی:

بن-وند ماضی-ساز-شناسه فعل ربطی -صفت حرف ربط سوم شخص مفر مفعولی صفت اشاره سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل - گذشته ساز- دید بود پیر که (را) - مرد آن مهری

"مهری آن مرد (را) که پیر بود دید."

در گونه‌های مذکور، علاوه بر اینکه پس‌اضافه هستند، صفت هم قبل از اسم به‌کار می‌رود؛ اما همان‌گونه که در مثال ۱۰ مشاهده می‌شود، عبارت توصیفی بعد از اسم واقع می‌شود که این خود ناقض همگانی ۲۴ است. البته ذکر این نکته ضروری است که چون ترکی از زبان‌های پیوندی است، بنابراین همان‌گونه که در مثال دیده می‌شود، عبارت توصیفی در جمله در قالب یک کلمه بیان می‌شود؛ به عبارت دیگر، تکواژهای متعدد نشان‌دهندهٔ واژه‌ها هستند. همچنین در مثال ۱۰ (j) همخوان میانجی محسوب می‌شود.

همگانی ۲۶: "اگر زبانی دارای وندهای منقطع^{۱۷} باشد، آن زبان یا پیشوند^{۱۸} دارد یا پسوند^{۱۹} و یا هر دو."

مثال ۱۱:

* mahan	cetab-u	æli-j-æ	ver-d-e	رزن:
* mahan	citab-e	æli-j-æ	ver-d-e	تبریز:
* mahan	citab-uu	ali-j-a	ver-d-e	استانبولی:

بن-وند ماضی-ساز-شناسه سوم شخص مفرد متمم سوم شخص مفرد مفعولی سوم شخص مفرد فاعلی
تطابق با فاعل - گذشته ساز- داد به- علی را- کتاب ماهان

"ماهان کتاب را به علی داد."

همان‌گونه که در مثال ۱۱ مشاهده می‌شود، /-e/، /-u/، /-æ/، /-j/، /-a/، /-d/ و /-e/ به‌ترتیب در کلمات cetabu، citabe، citabuu، ælijæ و verde پسوند محسوب می‌شوند. بنابراین، همگانی ۲۶ مورد تأیید واقع می‌شود. البته تا آنجایی که پژوهشگر بررسی کرده است، پیشوند و میانوند در گونه‌های مذکور مشاهده نشده است.

همگانی ۲۷: "اگر زبانی، صرفاً دارای پسوند باشد، پس‌اضافه است. در صورتی که صرفاً دارای پیشوند باشد، آن زبان پیش‌اضافه محسوب می‌شود."

بخش اول در همگانی ۲۷ با توجه به مثال همگانی ۲۶ و دیگر مثال‌ها مورد تأیید است؛ به عبارت دیگر این گونه‌ها صرفاً دارای پسوند است و جزو زبان‌های پس‌اضافه محسوب می‌شود.

همگانی ۲۸: "اگر در یک زبان هم وند اشتقاقی وهم وند تصریفی پس از ریشه بیایند، یا هر دو پیش از ریشه قرار گیرند، وند اشتقاقی همواره بین ریشه و وند تصریفی قرار می‌گیرد."

مثال ۱۲:

*jæl	-miʃ	-d	-ilær	رزن:
*jæl	-miʃ	-d	-ilæ(r)	تبریز:
بن	پسوند صفت مفعولی	وند ماضی‌ساز	شناسه سوم شخص جمع	
آمد	ه	بود- گذشته ساز	ند	
*jæl	-miʃ	-lær	-de	استانبولی:
بن	پسوند صفت مفعولی	شناسه سوم شخص جمع	وند ماضی‌ساز	
آمد	ه	ند	بود- گذشته ساز	

"آمده بودند."

در گونه‌های حاضر، آن گونه که در مثال ملاحظه می‌شود، وند اشتقاقی به ریشه نزدیک‌تر از وند تصریفی است. به عبارت دیگر، وند اشتقاقی بین ریشه و وند تصریفی قرار می‌گیرد؛ اما در گونه استانبولی در برخی موارد وند اشتقاقی پس از وند تصریفی آمده است. بنابراین همگانی ۲۸ تأیید می‌شود. البته آن گونه که از داده‌های جمع‌آوری شده مشاهده شده است، کاربرد همخوان (r) در پسوند -ilær در گونه ترکی تبریز اختیاری است؛ هم می‌تواند حذف و هم تلفظ شود. همچنین در گونه استانبولی در برخی موارد همانند مثال بالا، ترتیب شناسه و وند ماضی‌ساز عکس رزن و تبریز است که پژوهشی دیگر در این زمینه را می‌طلبد.

همگانی ۲۹: "اگر (زبانی) دارای وند تصریف است، همواره دارای وند اشتقاقی است."

همانگونه که در مثال‌ها از هر سه گونه، مشاهده می‌شود، همگانی ۲۹ مورد تأیید است.

همگانی ۳۰: "اگر (در زبانی) فعل دارای طبقه‌بندی شخص و شمار باشد و یا دارای طبقه‌بندی جنسیت باشد، همیشه دارای طبقه‌بندی زمان است."

مثال ۱۳:

* ʔo	giz	jæl-d-e	* ʔo	oɾʔan	jæl-d-e	رزن:
* ʔo	guwz	jæl-d-e	* ʔo	oɾʔan	jæl-d-e	تبریز:
* ʔo	kuwz	jæl-d-i	* ʔo	oɾʔan	jæl-d-i	استانبولی:
بن-وند ماضی ساز-شناسه	اسم	صفت اشاره	بن-وند ماضی ساز-شناسه	اسم	صفت اشاره	
تطابق با فاعل-آمد	پسر	آن	تطابق با فاعل-آمد	پسر	آن	
"آن دختر آمد"			"آن پسر آمد."			

با توجه به مثال، در هر سه گونه، تمایز درجنس، طبقه‌بندی در جنسیت، مشاهده نمی‌گشود؛ اما دارای طبقه‌بندی شخص و شمار برای هر ۶ صیغه در حالت‌های صرفی گوناگون هستند و البته دارای طبقه‌بندی زمانی نیز هستند. بنابراین، همگانی ۳۰ مورد تأیید است.

همگانی ۴۱: "اگر در زبانی به‌عنوان ترتیب غالب، فعل پس از فاعل و مفعول اسمی قرار گیرد، آن زبان تقریباً همیشه دارای نظام حالت است"

مثال ۱۴:

* reza	æli-ni	jørd-y	رزن:
* reza	æli-ni	jørd-I	تبریز:
* reza	ali-ji	jørd-ø	استانبولی:
بن-وند ماضی ساز-شناسه	سوم شخص مفرد مفعولی	سوم شخص مفرد فاعلی	
تطابق با فاعل-گذشته ساز-دید	را-علی	رضا	
"رضا علی را دید."			

همانگونه که در نمونه‌های بالا و مثال‌های دیگر مشاهده می‌شود، فاعل و مفعول اسمی پیش از فعل واقع می‌شوند و ترتیب غالب در این گونه‌ها، محسوب می‌گردند. بنابراین، این سه گونه دارای نظام حالت از نوع فاعلی-مفعولی هستند. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، نظام حالت ارگتیو در این گونه‌ها وجود ندارد. بنابراین، از این لحاظ که گونه‌های مذکور دارای نظام حالت فاعلی-مفعولی هستند، همگانی ۴۱ تأیید می‌شود.

همگانی ۴۲: "تمام زبان‌هایی که دارای طبقه‌بندی ضمیری‌اند، حداقل دارای ۳ شخص و ۲ شمار هستند."

مثال ۱۵:

* mæn	Jed-dim	*biz	Jed-dij	رزن:
* mæn	Jed-dim	*biz	Jed-diχ	تبریز:
* mæn	Jid-dim	*biz	Jid-dij	استانبولی:
ضمیر منفصل اول شخص مفرد		ضمیر منفصل اول شخص جمع		بن-شناسه
"من رفتم"		"ما رفتیم"		
*Sæn	Jed-dij	*siz	Jed-diz	رزن:
*Sæn	Jed-din	*siz	Jed-diz	تبریز:
*Sæn	Jit-tin	*siz	Jit-tiniz	استانبولی :
ضمیر منفصل دوم شخص مفرد		ضمیر منفصل دوم شخص جمع		بن-شناسه
"تو رفتی"		"شما رفتید"		
*ʔo	Jed-de	*ʔolar	Jed-dilæ(r)	رزن:
*ʔo	Jed-de	*ʔolar	Jed-dilær	تبریز:
*ʔo	Jit-te	*ʔonnar	Jit-tilær	استانبولی:
ضمیر منفصل سوم شخص مفرد		ضمیر منفصل سوم شخص جمع		بن-شناسه
"او رفت"		"آنها رفتند"		

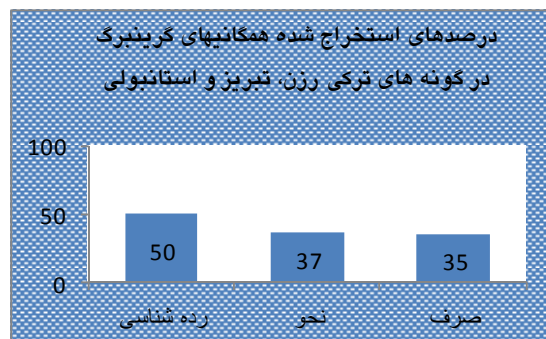
در گونه‌های مذکور، شاهد وجود ۳ شخص مفرد و ۳ شخص جمع هستیم. گفتنی است در هر سه گونه همانند فارسی، ضمائر متنوع هستند، با این تفاوت که در دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع دو ضمیر کاملاً مجزا به کار برده می‌شود؛ یعنی همانند فارسی نمی‌توان ضمیر دوم شخص جمع را به جای ضمیر دوم شخص مفرد (در راستای ادای احترام) به کاربرد و همچنین صرف فعل در ۶ صیغه در تمامی زمان‌ها وجود دارد. بنابراین همگانی ۴۲ تأیید می‌شود.

۵. نتیجه

هدف مقاله حاضر، بررسی همگانی‌های گرینبرگ در چارچوب ترتیب واژه و مقوله‌های تصریفی در گونه‌های ترکی رزن، تبریز و استانبولی است که زیرشاخه زبان ترکی محسوب می‌شوند. تاکنون، پژوهشی در این مقیاس که تمامی ۴۵ همگانی را بررسی کرده باشد، انجام

نگرفته است. بنابراین، از حیث نوع‌آوری، این پژوهش در راستای تأیید یا عدم تأیید همگانی‌های گرینبرگ، قابل ملاحظه است. با توجه به اینکه برخی از همگانی‌ها در داده‌های سه گونه مذکور هیچ‌گونه کاربرد و انطباقی نداشته‌اند، از توضیح آن‌ها به دلیل بالا رفتن حجم مقاله خودداری شده است.

بر این اساس، از ۶ همگانی اول که مربوط به رده‌شناسی زبان است، ۳ همگانی مورد تأیید است. در بخش‌هایی از ۳ همگانی دیگر انطباق‌هایی جزئی دیده می‌شود که در متن مقاله توضیح داده شده است؛ اما تأیید نمی‌شوند. از ۱۹ همگانی که عملکرد آن‌ها در محدوده نحو است، ۶ همگانی (بخش دوم همگانی ۱۹ و ۷ در گویش‌های مذکور مورد تأیید هستند). مورد تأیید است. از ۲۰ همگانی سوم که در حوزه صرف واقع می‌شوند، ۷ همگانی در این گویش‌ها کاربرد دارند و تأیید می‌شوند. بنابراین، از ۴۵ همگانی در کل، ۱۶ همگانی به‌صورت کامل و دو همگانی به‌صورت ناقص کاربرد دارد که با کمی تسامح، تقریباً حدود ۴۰ درصد از همگانی‌ها در این گویش‌ها، مورد تأیید است. بنابراین، در پاسخ به پرسش اول مقاله نتیجه گرفته می‌شود که تعداد همگانی‌های گرینبرگ در سه گونه مورد بحث که از کارایی نسبی برخوردار هستند، نسبتاً پایین است. در پاسخ به پرسش دوم این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به دلیل قرابت بالای ساختاری، صرفی و نحوی سه گونه مورد بحث از منظر همگانی‌های گرینبرگ، در یک طبقه زبانی قرار می‌گیرند. البته تفاوت نسبی که در واژگان سه گونه مشاهده می‌شود، خللی در تغییر نوع طبقه زبانی به‌وجود نمی‌آورد. گفتنی است همان‌گونه که در آمار و ارقام همگانی‌ها مشاهده می‌شود، بالاترین درصد کارایی همگانی‌های گرینبرگ به‌ترتیب در حوزه رده‌شناسی، نحو و صرف است. ذکر این نکته ضروری است که در ظاهر بالاترین تعداد همگانی‌های تأییدشده به‌ترتیب در حوزه نحو، صرف و رده‌شناسی است؛ اما به لحاظ درصد این ترتیب، به‌ترتیب ذکرشده، یعنی رده‌شناسی (۵۰ درصد)، نحو (حدود ۳۷ درصد) و صرف (۳۵ درصد) است (نمودار ۱).



نمودار ۱: درصدهای استخراج شده همگانی‌های گرینبرگ در گونه‌های

ترکی رزن و تبریز و استانبولی

Diagram1: Derived percents of Greenbergian Universals in Razan, Tabriz and Istanbuli dialects of Turkish

نتایج به دست آمده از پژوهش، فهرست وار در ذیل ارائه می شود:

۱. انعطاف در تولید ساختارهای متنوع^{۲۰} مشاهده می شود. البته ترتیب غالب^{۲۱} در این گونه ها فاعل، مفعول، فعل است (مثال های ۱ و ۱۴).
۲. در گونه های مذکور، مضاف الیه پیش از مضاف قرار می گیرد (مثال ۲).
۳. انواع صفت (توصیفی، عدد و اشاره) قبل از موصوف می آیند (مثال های ۸ و ۱۰).
۴. این گونه ها در رده زبان های پس اضافه^{۲۲} قرار می گیرند (مثال ۱۰ و همگانی ۲۷).
۵. الگوی تغییر آهنگ در این سه گونه در جهت تبدیل جملات خبری به پرسشی کاربرد فراوان دارد؛ اما عملکرد آن در گونه استانبولی کمی متفاوت است؛ یعنی اغلب یا از طریق پسوند فعلی و تغییر آهنگ و یا هم زمان از طریق کلمه پرسشی و پسوند فعلی و تغییر آهنگ می توان جمله پرسشی به - خبری را تولید کرد (مثال ۵).
۶. کاربرد ادات شرط در گونه ترکی رزن و تبریز اختیاری است؛ بدین معنی که جملات شرطی را می توان بدون استفاده از ادات شرط نیز به کار برد و لیکن در گونه استانبولی تا آنجایی که بررسی شده است الزامی است (مثال ۷).

۷. بدل^{۲۳} پیش از اسم خاص و پس از آن با بسامد وقوع تقریباً یکسان در گونه‌های مذکور واقع می‌شود و در این سه گونه مضاف‌الیه قبل از مضاف قرار می‌گیرد (مثال ۹).
۸. این گونه‌ها فقط دارای پسوند هستند و ردی از پیشوند و میانوند در آن‌ها مشاهده نشده است (مثال ۱۱).
۹. در گونه‌های حاضر، وند اشتقاقی به ریشه نزدیک‌تر از وند تصریفی است (مثال ۱۲).
۱۰. نظام حالت در این گونه‌ها از نوع نظام فاعلی-مفعولی است و نظام ارگتیو در آن‌ها مشاهده نشده است (مثال ۱۴).
۱۱. در این گونه‌ها، فعل در زمان‌های^{۲۴} متعدد در ۶ صیغه صرف می‌شود. همچنین دارای شمار (مفرد و جمع) است (مثال ۱۵).

۶. پی‌نوشت‌ها

1. variety
۲. همانگونه که می‌دانیم، همواره در تعاریفی که در ارتباط با واژه‌های زبان، گویش و لهجه و تفاوت‌های این واژه‌ها وجود دارند اختلافاتی هر چند جزئی دیده می‌شوند که با وجود جزئی بودن آن‌ها در موارد زیادی، سبب اختلاف در «چه نامیدن» یک گونه زبانی می‌گردند. به جهت اینکه در پژوهش حاضر، روند یکسانی پیش رو گرفته شود و سردرگمی برای خوانندگان ایجاد نشود، به تعاریف این سه اصطلاح به صورت مؤجز پرداخته می‌شود. زبان دو گونه زبانی است که سخنگویان آن‌دو، فهم متقابل از یکدیگر ندارند. گویش دو گونه زبانی است. علیرغم اینکه سخنگویان از یکدیگر فهم متقابل دارند، اما در عین حال بین آن‌دو گونه، تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی و دستوری دیده می‌شود و که با لهجه پیدا می‌کند. تفاوت در این است که در عین فهم متقابل در لهجه، فقط تفاوت‌های آوایی واجی مشاهده می‌شود (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: بیست و سه). در همین راستا به منظور جلوگیری از خلط مبحث، پژوهشگر از اصطلاح خنثی «گونه» برای هر سه نوع ترکی مورد بحث استفاده می‌کند.
۳. به دلیل اینکه منبع معتبری برای توضیحات جغرافیایی و جمعیت در سه گونه مورد بحث وجود ندارد، برای این منظور به‌ناچار از ویکیپدیا استفاده شده است. البته در مورد گونه رزن صابری‌همدانی (۱۳۷۵) موجود است؛ اما اطلاعات آن در این زمینه قدیمی است و نمی‌توان به آن استناد کرد.
4. isolating

5. agglutinating

6. . fusional

7. . word order

۸. در ترکی رزن همخوان ناسوده-لیبی‌دندانی /v/ و همخوان سایشی-لیبی‌دندانی در برخی مواقع واج-گونه‌ها همیگرند؛ یعنی تمایز این دو واج در برخی کلمات از بین می‌رود و با هر یک از این دو واج صدای مورد نظر در گونه ترکی رزن تلفظ می‌شود. البته بسامد تکرار همخوان ناسوده-لیبی‌دندانی بیشتر است. در ترکی تبریز همخوان ناسوده - لیبی‌دندانی به صورت ناسوده - کامی تولید می‌شود. این تفاوت از معادل واژه ترکی مرغ در داده‌های جمع‌آوری‌شده هر دو گونه به‌دست‌آمده است. گفتنی است در این موارد دو واج‌گونه در توزیع تکمیلی نیستند. آوانویسی واژه مرغ در ترکی رزن و تبریز: tojux ,tovux ,toVux.

۹. همانگونه که از مقایسه دو جدول همخوانی ترکی رزن و تبریز مشاهده می‌شود واج انسدادی-نرم‌کامی-واکدار حاضر در گونه ترکی تبریز، در ترکی رزن وجود ندارد و به‌جای آن از واج انسدادی-ملازی-واکدار استفاده می‌گردد.

۱۰. در ترکی استانبولی خلاف دو گونه دیگر علاوه بر واج انسدادی-کامی-بی‌واک، واج انسدادی-نرم‌کامی-بی‌واک نیز مشاهده می‌شود. همچنین واج ناسوده-نرم‌کامی - واکدار نیز در این گونه وجود دارد.

11. glossing

۱۲. در هر دو گونه ترکی رزن و تبریز، واج ناسوده کناری لثوی /l/ دارای واج‌گونه ناسوده کناری لثوی نرم‌کامی‌شده /l/ و همچنین در ترکی تبریز واج انسدادی-نرم‌کامی-واکدار /g/ دارای واج‌گونه سایشی-ملازی-واکدار /ʒ/ در برخی موقعیت‌ها، هستند. گفتنی است در این موارد هر دو واج‌گونه در توزیع تکمیلی می‌باشند.

۱۳. خلاف گونه رزن و تبریز، در گونه استانبولی واژه "ناراحت کرد" به صورت دو واژه مستقل نیست؛ بلکه در یک واژه و به صورت پیوند تکواژ تولید می‌شود. البته پژوهشگران بر این باورند که این اختلاف بر اثر تأثیر نسبتاً بالای زبان فارسی بر روی گونه‌های رزن و تبریز است.

14. intonation

۱۵. واژه مادر شوهر در گونه استانبولی خلاف دو گونه دیگر واژه ترکیبی است. (مادر+شوهر)= (kujuun+valedede)

۱۶. در گونه G استانبولی دو واج (u), (w) در مورد فوق شنیده می‌شود؛ در نتیجه واج‌گونه یکدیگر هستند که البته این دو واج در موقعیت‌های دیگر در توزیع تکمیلی هستند و دو واج ممیز محسوب می‌شوند.

17. discontinuous

18. prefix
19. suffix
20. sov, svo, vso, osv,...
21. dominant order
22. postpositional
23. appositive
24. tenses

۷. منابع

- اژدرزاده، مسعود (۱۳۸۲). *بررسی فرایند ترکیب یا مرکب‌سازی در واژه‌سازی زبان ترکی آذری در چهارچوب اصل لیبر درباره ساخت موضوعی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران.
- امینی، رضا (۱۳۹۲). «دوگان‌سازی در زبان ترکی». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۳ (پیاپی ۱۹). صص ۲۷-۵۴.
- جراحی، بابک (۱۳۷۹). *آرایش سازه‌ها در زبان ترکی آذری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفری، محمدعلی (۱۳۸۱). *بررسی ساختمان فعل در گویش ترکی رزن*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی*. دانشگاه آزاد تهران مرکز. مرکز تحصیلات تکمیلی.
- جعفری، بنی‌اردلان (۱۳۷۴). *بررسی ساختمان صرفی اجزاء کلام در گویش ترکی بهار (همدان) و مقایسه آن با زبان ترکی آذری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسابگر، حسن (۱۳۷۱). *نظام آوایی زبان ترکی آذری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حیدری مزرعه جهان، عبدالحسین (۱۳۸۱). *تجزیه و تحلیل فرایندهای همگونی زبان ترکی آذری بر اساس واج‌شناسی خود واحد*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

- دین‌محمدی، غلامرضا (۱۳۸۲). «رده‌شناسی در چهارچوب اصول و پارامترها». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۱۶۵. صص ۱۶۹-۱۸۴.
- رضی‌نژاد، محمد (۱۳۸۱). *واج‌شناسی گویش ترکی مشکین‌شهر بر پایه نظریه خود واحد*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تهران.
- صابری همدانی، احمد (۱۳۷۵). *تاریخ مفصل همدان*. ج ۱. تهران: چاپ حدیث.
- صادقی نیارکی، عبدالله (۱۳۷۵). *وندهای تصریفی و اشتقاقی ترکی با تکیه بر گویش نیارکی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عباسچی، ساحل (۱۳۷۷). *بررسی و طبقه‌بندی تک‌واژه‌های مقید ترکی آذری*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- قربانزاده کلانپایی، عیسی (۱۳۸۱). *بررسی مقایسه‌ای واژگان زبان ترکی استانبولی و آذری*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). «شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۱۵۵. صص ۱۷۱-۱۹۰.
- محجوبی، شهراد (۱۳۷۵). *بررسی مقایسه‌ای واژگان در لهجه‌های ترکی آذری خلخال و آستارا از دیدگاه زبان‌شناسی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- محمدنژادشبل، شمس (۱۳۸۰). *بررسی اسم مرکب و مشتق در زبان ترکی آذری*. کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- مرادی، بهمن (۱۳۸۰). *مقایسه لهجه نقده با لهجه تبریز (دو گونه ترکی آذری)*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مظلومی، علیرضا (۱۳۷۹). *مقایسه آوایی و واژگانی گونه‌های ترکی چاپیاره و تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- میردهقان، مهین‌ناز (۱۳۸۷). *حالت نمایی افتراقی در زبان‌های هندی/اردو، پشتو و بلوچی در چهارچوب بهینگی و اثرنقشی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. مرکز چاپ و انتشارات.
- هاشمی‌بنی، رضا (۱۳۷۹). *توصیف زبان‌شناختی گویش ترکی بن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.

References:

- Abbaschi, S. (1998). *The study and classification of bound morphemes in Azari Turkish*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran Islamic Azad University, Central Branch. [In Persian].
- Ajdarzadeh, M. (2003). *A study of combination or compounding process in the word formation of Azari Turkish language, on the basis of Liber's principle of thematic construction*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran University. [In Persian].
- Amini, R. (2013). "Duality in turkish language". *Language Researches*. Vol. 5. No. 3 (Successive 19). Pp. 27-54. [In Persian].
- Bisang, W. (No date). *Typology3*. Mainz 7. Sommerschule der DGfS wbisang@mail.uni-mainz.de. Retrieved:<http://www.phil-fak.duesseldorf.de/summerschool2002/Bisang3.PDF>.uni-
- Buch, Armin W. (2012). *Linguistic Universals*. Retrieved:<http://www.sfs.uni-tuebingen.de/~abuch/12ws/lotw06.pdf>
- Comrie, B. (1988). "Linguistic Typology". California: Los Angeles, *University of Sothern California, Department of Linguistics*. 17: 145-159
- Dabir Moqaddam, M. (2013). *Typology of Iranian languages*. Vol. 1 Tehran: the Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT) , The Center for Research and Development in Humanities. [In Persian].

- DinMohammadi, Gh. R. (2003). "Typology on the basis of principles and parameters". *Literature and Humanities Faculty of Tehran University*. No. 165.Pp. 169-184. [In Persian].
- GhorbanzadeKalanpaei, I. (2003). *A Comparative Study of the Vocabulary in Istanbuli and Azari Turkish language*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran Islamic Azad University, Central Branch. [In Persian].
- Golfam, A. (2000). "Linguistic similarities and differences: universals and typology". *Journal of Literature & Humanities Faculty, University of Tehran*. No. 155. Pp. 171-190. [In Persian].
- Greenberg, Joseph H. (1963), *Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements*. Stanford University: Universals of Language. London: MIT Press. Pp. 73-113. Retrieved: <http://pkdas.in/JNU/typo/lu.pdf>
- Guerra, Devon R. (2008). *A Comparison of Joseph Greenberg's "Language Universals" as Shown in the Palestinian Arabic, Spanish, and Korean Languages*. Retrieved: <http://digitalcommons.liberty.ed>
- Hashemibani, R. (2000). *A Linguistic description of the Turkish dialect of Ban*. M.A. Thesis in Linguistics. Isfahan University. [In Persian].
- Hesabgar, H. (1992). *Azari Turkish Phonetic System*. M.A. Thesis in Linguistics. Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- HeydariMazraeJahan, A. (2002). *The analysis of assimilation processes in Azari Turkish based on Autosegmental phonology*. M.A. Thesis in Linguistics. Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- Howe, S. (No date). *A Re-examination of Greenberg's Universals*. Retrieved: http://www.adm.fukuoka-u.ac.jp/fu844/home2/Ronso/Jinbun/L44-1/L4401_0209.pdf
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87>

- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B1%D8%B2%D9%86
- Jafari, B. (1995). *A study of discourse morphological construction in Bahar (Hamadan) Turkish dialect in comparison to Azari Turkish language*. M.A. Thesis in Linguistics. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Jafari, M. A. (2003). *A study of verb construction in Razan Turkish dialect*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran Islamic Azad University, Central Branch. [In Persian].
- -----; M. Mirdehghan & Sh. Naqshbandi (In print). *A typological analysis of rounding harmony in Turkish varieties of Razan, Tabriz and Istambuli on the basis of Korn's typology*. Hamadan: Comparative Linguistics Researches. [In Persian].
- Jarrahi, B. (2000). *Structural arrangement in Azari Turkish*. M.A. Thesis in Linguistics. Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- Mahjubi, Sh. (1996). *The comparative study of the vocabulary in Azari-Turkish dialects of Khalkhal and Astara from the viewpoint of linguistics*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran Islamic Azad University, Central Branch. [In Persian].
- Mazlumi, A.R. (2000). *A phonetic and lexical comparison of the Turkish varieties of Chaypare and Tabriz*. M.A. Thesis in Linguistics. Tehran Islamic Azad University, Central Branch. [In Persian].
- Mirdehghan, M. & Sh. Mehmanchian (2012). "The word order in Saravi dialect and spoken language: A typological comparative study". *Iranian Studies*. Vol. 45, No. 3.
- -----, (2013) "Ergative case & agreement marking: Similarities and Variations in Hindi/Urdu, Pashto and Balochi Languages". *Dialectologia* 10. Pp. 59-86. [In Persian].
- Mohammad NejadShebli, Sh.(2001). *A study of compound and derivative nouns in Azari Turkish language*. M.A. Thesis in Linguistics. Tarbiat Modarres University. [In Persian].

- Moradi, B. (2001). *A comparative study of the dialects of Naqade and Tabriz (two varieties of Azari Turkish)*. M.A. Thesis in Linguistics. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Razinejad, M. (2002). *Phonology of Meshkinshahr Turkish dialect on the basis of Autosegmental theory*. Master's Thesis of Linguistics. Tehran University. [In Persian].
- SaberiHamedani, A. (1996). *Hamedan's Detailed History*. Vol. 1 Tehran: Hadis Press. [In Persian].
- Sadeqi Niyaraki, A. (1996). *Turkish inflectional and derivational affixes in Niyaki dialect*. M.A. Thesis in Linguistics. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].